

عکس: ابوالفضل نسایی/ایران

اهالی روستای قروه در حاشیه دریاچه هامون

صفر و صد آراء در «صفر» مرزی

نتیجه انتخابات ریاست جمهوری نشان داد که مردمان محروم مناطق صفر مرزی در سیستان و بلوچستان فردای کشور را به وعده نان امروز نمی فروشند

سهیلا نوری

بیست و سه میلیون و پانصد و چهل و نه هزار و ششصد و شانزده زن و مرد و پیر و جوان و رأی اولی... در میان این سیل میلیونی جمعیت، اقشار مختلفی حضور داشتند، اما براستی که رأی مرزنشینان ایران و آنهایی که در محروم‌ترین مناطق مرزی این سرزمین زندگی می کنند، حلاوتی دوچندان دارد؛ همان‌هایی که جغرافیا و اقلیم حاکم بر منطقه زندگی شان به گونه‌ای است که از امکانات موجود در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران بی بهره هستند، اما دوشادوش سایر هموطنان پای پیش گذاشتند و افتخاری ملی را به ثبت رساندند.

سیستان و بلوچستان، دیار نریمان و زال و رستم، همان خطه از خاک ایران که روزگاری قایق‌های روان بر دریاچه هامونش و زمین های زراعی حاصلخیزش گواهی بر آبادانی گوشه گوشه‌اش بود، سال‌هاست که بواسطه خشک شدن دریاچه هامون، روزهای خشک و تب‌داری را سپری می کند، اما بحق که مردمان دیار آفتاب ثابت کردند، سخاوتمندی را به تمامی از هامون به ارث برده‌اند. آنها تصمیم گرفتند به رغم تمام مشکلاتی که دارند، جای دل سپردن به صدقه و وعده‌های پوشالی و توخالی، رأی به آزادی و آبادانی و روزهای روشن بدهند.

این درست که مولانا عبدالحمید در انتخاب سبز این افراد بی‌تأثیر نبود، اما واقعیت این است که ساکنان روستاهای به دور از امکانات سیستان و مرزنشینان شهرستان هیرمند که پس از خشکی دریاچه هامون، زندگی به آنها پشت کرده است، تن به یأس ندادند و گواه این حماسه و شور، جمله‌های سرشار از امید روستاییان سه روستای مرزی و دورافتاده شهرستان هیرمند است.

حسن ابراهیمی - کارشناس دینی و فرهنگی دفتر نهاد رهبری در دانشگاه زابل - که در روز جمعه به‌عنوان ناظر صندوق آرای ریاست جمهوری روستاهای گلمیر، صالح خان و سعید آباد از توابع شهرستان هیرمند بود، با اشاره به اینکه برخلاف تصور بسیاری، مردمان حاشیه هامون، مرزنشینان و ساکنان روستاهایی که او بر صندوق‌های آرای‌شان نظارت داشته از بلوغ سیاسی بالایی برخوردارند، گفت: خوشبختانه ساکنان ۸۵۰ روستای سیستان به این میزان از درک رسیده‌اند که با انتخاب‌شان تعیین‌کننده سرنوشت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خودشان هستند از این‌رو بدون اینکه توسط فرد یا گروه خاصی توجیه شوند، بواسطه شعور سیاسی بالای‌شان با رصد کردن شاخصه‌های هر کدام از کاندیداها، از ساعات اولیه روز جمعه منتظر رسیدن صندوق‌های رأی بودند تا انتخاب‌شان را به تحقق برسانند. این در حالی است که کل آرای مأخوذه در سه روستای فوق محروم و همسایه دریاچه هامون که مسئولیت نظارت بر صندوق آرای آن را برعهده داشتم ۲۷۳ رأی بوده که از میان آنها ۲۵۹ رأی به دکتر حسن روحانی، ۱۲ رأی به حجت‌الاسلام رئیسی و ۲ رأی هم به سید مصطفی هاشمی‌طبا و سید مصطفی میرسلیم اختصاص داشت. به همین ترتیب آرای اخذ شده در بخش پلان شهرستان چابهار، روستاهای انجیرک، ملینتان، مچان، ششکیدر و چراغان شهرستان سرباز هم نشان می‌دهد که مردمان بخش‌های مختلف استان بلوچستان با وجود تمام نامالایمتی‌ها، بدرستی تشخیص دادند که چه کنند.

■ **برنده‌های آفتاب سوخته**

برنده واقعی این انتخابات آن مردم بلوچ و سیستانی هستند که به یارانه سه برابری نه گفتند! اینکه صددرصد ساکنان یک روستای بلوچستان با حداقل امکانات زندگی و در نهایت نداری، به یارانه و دیگر وعده های سفره نه! گفتند! گواه آن است که برنده واقعی این اتفاق مهم این مردمانند. این انتخاب بی‌شک مسئولیت منتخب و همراهانش را بیش از پیش می کند تا به ساخت مدرسه، بیمارستان، کارخانجات، راه و آبرسانی در دیار آفتاب متمرکزتر شوند و پتانسیل بالای مردمان دیار آفتاب را در جهت آبادانی به کار گیرند.

حسن پودینه معلم روستای محروم گلمیر با بیان اینکه مردم شریف و محروم مناطق مرزی کشورمان شعور و شرف دارند و هرچند ممکن است غذاهای توزیعی را قبول کنند، اما توهین به کرامت انسانی‌شان را هرگز،یادآور شد: این مردمان غالباً فقیر که به ظروف غذای یکبار مصرف پر از برنج و نبات و روغن و... «نه» گفتند، لیاقتی بسیار بیشتر از اینها دارند از این‌رو می‌بایست رئیس جمهوری منتخب‌شان نیز برای این سیستان و بلوچستان با وجود تمام نامالایمتی‌ها، بدرستی تشخیص دادند که چه کنند.

■ **برنده‌های آفتاب سوخته**

برنده واقعی این انتخابات آن مردم بلوچ و سیستانی هستند که به یارانه سه برابری نه گفتند! اینکه صددرصد ساکنان یک روستای بلوچستان با حداقل امکانات زندگی و در نهایت نداری، به یارانه و دیگر وعده های سفره نه! گفتند! گواه آن است که برنده واقعی این اتفاق مهم این مردمانند. این انتخاب بی‌شک مسئولیت منتخب و همراهانش را بیش از پیش می کند تا به ساخت مدرسه، بیمارستان، کارخانجات، راه و آبرسانی در دیار آفتاب متمرکزتر شوند و پتانسیل بالای مردمان دیار آفتاب را در جهت آبادانی به کار گیرند.

حسن پودینه معلم روستای محروم گلمیر با بیان اینکه مردم شریف و محروم مناطق مرزی کشورمان شعور و شرف دارند و هرچند ممکن است غذاهای توزیعی را قبول کنند، اما توهین به کرامت انسانی‌شان را هرگز،یادآور شد: این مردمان غالباً فقیر که به ظروف غذای یکبار مصرف پر از برنج و نبات و روغن و... «نه» گفتند، لیاقتی بسیار بیشتر از اینها دارند از این‌رو می‌بایست رئیس جمهوری منتخب‌شان نیز برای این سیستان و بلوچستان با وجود تمام نامالایمتی‌ها، بدرستی تشخیص دادند که چه کنند.

■ **برنده‌های آفتاب سوخته**

برنده واقعی این انتخابات آن مردم بلوچ و سیستانی هستند که به یارانه سه برابری نه گفتند! اینکه صددرصد ساکنان یک روستای بلوچستان با حداقل امکانات زندگی و در نهایت نداری، به یارانه و دیگر وعده های سفره نه! گفتند! گواه آن است که برنده واقعی این اتفاق مهم این مردمانند. این انتخاب بی‌شک مسئولیت منتخب و همراهانش را بیش از پیش می کند تا به ساخت مدرسه، بیمارستان، کارخانجات، راه و آبرسانی در دیار آفتاب متمرکزتر شوند و پتانسیل بالای مردمان دیار آفتاب را در جهت آبادانی به کار گیرند.

حسن پودینه معلم روستای محروم گلمیر با بیان اینکه مردم شریف و محروم مناطق مرزی کشورمان شعور و شرف دارند و هرچند ممکن است غذاهای توزیعی را قبول کنند، اما توهین به کرامت انسانی‌شان را هرگز،یادآور شد: این مردمان غالباً فقیر که به ظروف غذای یکبار مصرف پر از برنج و نبات و روغن و... «نه» گفتند، لیاقتی بسیار بیشتر از اینها دارند از این‌رو می‌بایست رئیس جمهوری منتخب‌شان نیز برای این سیستان و بلوچستان با وجود تمام نامالایمتی‌ها، بدرستی تشخیص دادند که چه کنند.

■ **برنده‌های آفتاب سوخته**

برنده واقعی این انتخابات آن مردم بلوچ و سیستانی هستند که به یارانه سه برابری نه گفتند! اینکه صددرصد ساکنان یک روستای بلوچستان با حداقل امکانات زندگی و در نهایت نداری، به یارانه و دیگر وعده های سفره نه! گفتند! گواه آن است که برنده واقعی این اتفاق مهم این مردمانند. این انتخاب بی‌شک مسئولیت منتخب و همراهانش را بیش از پیش می کند تا به ساخت مدرسه، بیمارستان، کارخانجات، راه و آبرسانی در دیار آفتاب متمرکزتر شوند و پتانسیل بالای مردمان دیار آفتاب را در جهت آبادانی به کار گیرند.

حسن پودینه معلم روستای محروم گلمیر با بیان اینکه مردم شریف و محروم مناطق مرزی کشورمان شعور و شرف دارند و هرچند ممکن است غذاهای توزیعی را قبول کنند، اما توهین به کرامت انسانی‌شان را هرگز،یادآور شد: این مردمان غالباً فقیر که به ظروف غذای یکبار مصرف پر از برنج و نبات و روغن و... «نه» گفتند، لیاقتی بسیار بیشتر از اینها دارند از این‌رو می‌بایست رئیس جمهوری منتخب‌شان نیز برای این سیستان و بلوچستان با وجود تمام نامالایمتی‌ها، بدرستی تشخیص دادند که چه کنند.

■ **برنده‌های آفتاب سوخته**

برنده واقعی این انتخابات آن مردم بلوچ و سیستانی هستند که به یارانه سه برابری نه گفتند! اینکه صددرصد ساکنان یک روستای بلوچستان با حداقل امکانات زندگی و در نهایت نداری، به یارانه و دیگر وعده های سفره نه! گفتند! گواه آن

عادی چند میلیون تومان برایم آب می‌خورد، اما بواسطه طرح تحول سلامت، جراحی‌ام تنها با پرداخت ۱۰۰ هزار تومان، انجام شد. شبیه به او افراد زیادی بودند که سهولت در حوزه بهداشت و درمان را نسبت به سال‌های گذشته، دلیل اصلی‌شان برای انتخاب حسن روحانی اعلام کردند.

عصمت بَزّی ، بانویی که تا پیش از این دیر به دیر مراحل درمان بیماری کلیوی‌اش را دنبال می‌کرد، گفت: علاوه بر هزینه رفت و آمد از روستا به شهر مجبور بودم مبالغ بالایی را صرف آزمایش‌ها و داروهایم کنم برای همین هرچند ماه یکبار به شهر می‌رفتم و حال جسمانی‌ام هر روز بدتر می‌شد اما به برکت دولت یازدهم وضعیت فرق کرده و هر ماه برای معاینه به شهر می‌روم و تمام بررسی ها و داروهایم را با کمتر از ۱۰۰ هزار تومان انجام می‌دهم.

خانم سارانی هم که از مدت‌ها قبل در حیاط خانه‌اش یک کارگاه خیاطی به راه انداخته بود، در دولت دهم به‌دلیل بیماری ریوی از کار کردن بازمانده بود به همین دلیل راهی جز دریافت وام برای انجام عمل جراحی نداشت؛ می‌گوید: چند سال قبل که توان خیاطی نداشتم تصمیم گرفتم وام بگیرم تا از پس هزینه جراحی بربیایم، اما طرح تحول سلامت به دادم رسید و سال گذشته پس از انجام عمل جراحی و ۱۰ روز بستری شدن در بیمارستان، به جای ۲۷ میلیون تومان، ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان هزینه کردم و حالا با تلاش بی‌وقفه در کارگاه خیاطی‌ام، هزینه‌های خانواده‌ای که سرپرستی‌اش را برعهده دارم تأمین می‌کنم و بواسطه دولت یازدهم امید و اعتماد به خانواده‌ام تزریق شد.

■ **رأی امید**

محمد باقر صفرزایی که سالهای قبل به دلیل کشاورزی رو به راهی که داشت با خانواده‌اش در روستای صالح خان با آسایش زندگی می‌کرد دلیلش برای انتخاب قدری متفاوت بود: بواسطه هامون کشاورزی و ماهیگیری می‌کردم و غم آب و نان نداشتم، اما حالا که هامون خشک شده، زندگی من و اقوامم نیز از رونق افتاده است. با این حال در دولت یازدهم طرح‌های عمرانی نیمه کاره‌ای در سیستان و بلوچستان به راه افتاد که باعث شد امید به دیارمان راه پیدا کند، به همین دلیل و در سایه همین امید است که منتظریم دوباره آب به روی هامون گشوده شود تا زندگی نیز به این منطقه بازگردانده شود و از مهاجرت و تبعات منفی آن که فساد، فحشا، تکدی گری، فروش مواد مخدر و آسیب‌های این چنینی است کاسته شود. علاوه بر این زنان این منطقه به هنرهای رنگارنگی مثل سوزن دوزی تسلط دارند اما شرایط سخت زندگی انگیزه را از آنها گرفته است، ولی این بار در اوج همین محرومیت‌ها، با انگیزه و نشاط رأی خود را در صندوق‌ها انداختند و به توهین‌ها پشت کردند تا یکبار دیگر هلهله شادی در روستاهایمان به راه بیفتد.»

سید جواد معزی هم با اشاره به اینکه هر کدام از ما روستایی‌ها به همراه اعضای خانواده با تمام فقر و تنگدستی از مرزهای این میهن صیانت می‌کنیم، گفت: در انتظار تدبیر دولت دوازدهم هستیم تا به امکانات و ظرفیت‌های منطقه توجه کند؛ ناگفته نماند که امنیت موجود در این منطقه موضوع مهمی است که من و خانواده‌ام را تشویق کرده تا با وجود تمام کاستی‌هایی که وجود دارد، به ادامه کار این دولت رأی بدهیم.

همین جمله‌های پر از امید است که برندگان نهایی دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را مشخص می‌کند، مردمانی که در بیداد فقر روزگار می‌گذرانند، اما امید دارند شرایط به گونه‌ای شود که امکان تولید پیدا کنند و به جای آنکه فردی از راه برسد تا صدقه به آنها بدهد، فردی انتخاب شود که امکان کار و فعالیت را در میان افراد مستعد این منطقه فراهم سازد.

امید به آینده تنها سرمایه آنهاست



عکس: مهین محمدزاده/تسنیم

نیم نگاه

■ **نگاه پر از امید روستاییان ساکن در نقاط محروم سیستان و بلوچستان است که برنده نهایی دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را مشخص می‌کند، مردمانی که در بیداد فقر روزگار می گذرانند، اما امید دارند شرایط به گونه ای رقم بخورد که امکان تولید پیدا کنند و به جای آنکه فردی از راه برسد تا صدقه به آنها بدهد، فردی انتخاب شود که امکان کار و فعالیت را در میان افراد مستعد این منطقه فراهم سازد...**

شکار چهره درد کشیده «میرزا آقا» درمیان هزاران نفر، او را در فضای مجازی شهره کرد

چشم‌های نمناک پیرمرد!

یوسف حیدری

ماراتن انتخابات ریاست جمهوری ۲۹ اردیبهشت ماه به پایان رسید؛ انتخاباتی همراه با بیم‌ها و امیدها و تلخی‌ها و شیرینی‌های بسیار، که جزئی‌ترین رخدادهایش از چشم عکاسان و فیلمبرداران (یا شاید بهتر است بگوییم «شهروند-خبرنگار»ها) پنهان نماند و در قاب‌هایی جاودانه به یادگار ماند. تصاویری که یک عالمه حرف در خود دارند و برخی را تنها می‌توان با چشمانی نمناک از اشک شوق به تماشا نشست. یکی از این تصاویر، چهره پیرمردی را قاب گرفته بود که با بغض به سخنان رئیس جمهوری گوش می‌دهد و عکسی نیز از او در دست دارد. بغض و چشم‌های خیس او، در میان هیاهوی جمعیتی که برای هر جمله رئیس جمهوری فریاد می‌کشند، بشدت مورد توجه قرار گرفت و در فضای مجازی دست به دست شد. این پیرمرد که بود؟

در صدای مهربان «میرزاآقا پیردو موسی» که تصویر او در میتینگ حسن روحانی در سالن تختی اردبیل، به ثبت رسید، آرامش خاصی موج می‌زند. هرچند دل پری دارد و زمانه با او خوب تا نکرده است. ۵۴ ساله است اما خیلی بیشتر از سنش نشان می‌دهد. انگار سختی‌ها و مشکلات برای او پایانی ندارند.

میرزا آقا از روزهایی گفت که برای دفاع از وطن ۱۷ ماه در جبهه بود و بر اثر اصابت ترکش خمپاره مجروح شد، ولی علی رغم تمام دوندگی‌ها نتوانست پرونده جانبازی برای خودش تشکیل بدهد. از زندگی و کاروبارش گفت، که چگونه با فروش میوه روی چهارچرخ، نانی بر سر سفره اهل و عیالش می‌برد و چگونه بساط کوچکش تاکنون بارها و بارها توسط مأموران شهرداری بالا و پایین و جمع شده است.

اما عکس میرزا آقا یک بازدیدکننده خاص هم داشت. رئیس جمهوری با دیدن این عکس امروز میزبان این مرد مهربان است تا از او به خاطر حمایت‌های خالصانه‌اش قدردانی کند.

میرزا آقا پیردو موسی از زندگی‌اش می‌گوید و اینکه ۱۸ سال کارگر کارخانه فرش بافی بوده است و خدمت سربازی را در هنگامه جنگ و در منطقه جنوب سپری و در عملیات‌های مختلفی شرکت می‌کند: «در گردان ۲۴۳ از لشکر ۲۱ حمزه و پس از آن در لشکر ۳۱ عاشورا بودم و در عملیات «والفجر یک» در منطقه فکه بر اثر اصابت ترکش‌های خمپاره با ناحیه گردن و پشتم مجروح شدم. روزی هم که برای تسویه پایان خدمت به همراه سه سرباز و دو نفر از اعضای کادر به منطقه دهلران رفتیم عملیات مرصاد آغاز شد و ما ۶ نفر در محاصره دشمن قرار گرفتیم. چند شبانه روز مجبور شدیم در بیابان‌ها پیاده برویم تا به نیروهای خودمان برسیم. در این چند روز یک قطره آب هم نداشتیم و تشنه و گرسنه در زیر آفتاب سوزان حرکت می‌کردیم.»پیرموسی ادامه داد: «بعداز پایان خدمت سربازی با دختردایی‌ام ازدواج کردم و در خانه پدری زندگی‌مان را آغاز کردیم. خدا به ما یک دختر و یک پسر داد و من در کنار خانواده از پدر و مادر و خواهر و برادرهایم مراقبت می‌کردم. تأمین هزینه‌های زندگی سخت بود و بعدازظهرها که از کارخانه فرش بافی درمی آمدم، سراغ میوه فروشی می‌رفتم تا زندگی خودمان و خانواده پدری‌ام را تأمین کنم. چند بار برای پیگیری جانبازی‌ام به تهران رفتم اما پیگیری هایم نتیجه نداد.»

میزا آقا افزود: «پسرم بعد از گرفتن دیپلم برای پیدا کردن کار به تهران رفت و بعد از مدتی به من پیشنهاد داد تا با خرید وانت همراه هم میوه فروشی کنیم. با پولهایی که قرض کرده بودیم یک وانت خریدیم و میوه فروشی می کردیم اما یک روز مأموران شهرداری همه میوه‌های ما را جمع کردند و همراه با ترازو با خودشان بردند. در واقع اجازه فروش میوه را با ماشین نمی‌دادند و اذیت می‌کردند. از آنجایی که به مردم بدهی داشتیم مجبور شدیم ماشین را بفروشیم و بدهی مردم را بدهیم. پسرم دوباره به تهران بازگشت و به‌عنوان پارکبان مشغول کار شد و من هم روی چرخ میوه می‌فروشم.

در دولت قبل بارها برای کارهای جانبازی‌ام پیگیر شدم، اما به جایی نرسیدم و بارها از این بی اعتنایی‌ها اشک ریختم. ۴ سال است که در کنار میدان شهر پیاز و سیب زمینی می‌فروشم. پسرم نیز که مدتی در تهران پارکبان بود، بیکار شده است.او که به دشواری می‌تواند به فارسی تکلم کند، ادامه داد: به‌خاطر کاری که دارم با مردم در ارتباط هستم و از زبان آنها در جریان اخبار و اتفاقات روز قرار می‌گیرم. می دانم که طرح تحول سلامت چقدر تأثیر مثبتی برای ما مردم محروم داشته است. سال ۹۲ همراه با خانواده‌ام با عشق به دکتر روحانی رأی دادیم و امسال نیز با شروع انتخابات فعال بودم و در کنار میوه فروشی پوسترهای دکتر روحانی را به مردم می‌دادم. از آنها می‌خواستم برای تداوم دولت دکتر روحانی و کارهای مفیدی که انجام داده است به او رأی بدهند. خوشبختانه در این دولت پرونده جانبازی من تشکیل شد و ماه گذشته نخستین حقوق جانبازی‌ام که ۶۳۰ هزار تومان بود، واریز شد. میرزاآقا توقع زیادی ندارد: «من خواسته زیادی از رئیس جمهوری ندارم و می‌خواهم اگر می‌توانند برای پسرم کاری فراهم کنند تا او در شهر خودمان مشغول به کار شود تا من و مادرش ماه‌های طولانی چشم به در نباشیم.»



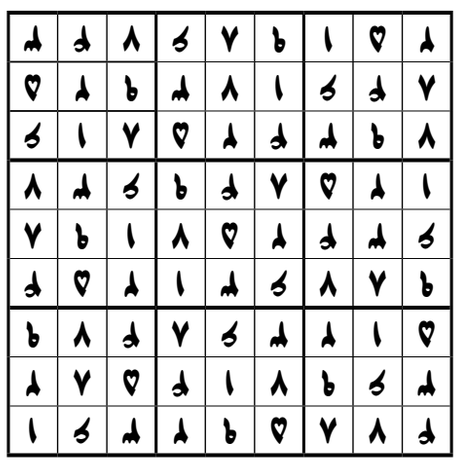
جدول ســـودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۲۵۴۹

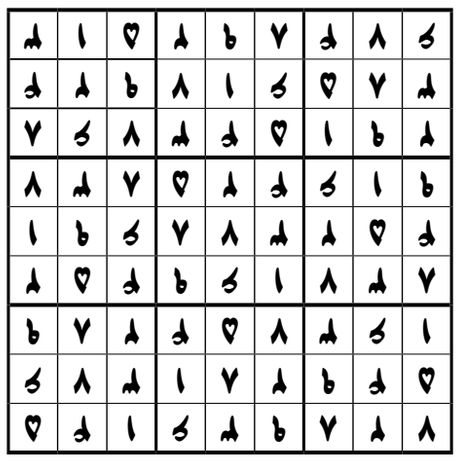
آسان

۴								۱
۳		۹	۷		۴	۵		۲
	۱		۳		۸		۷	
		۷	۶		۱	۲		
		۵	۸		۹	۶		
	۹		۴		۵		۱	
۸		۶	۱		۳	۹		۵
۲								۳



متوسط

۷	۲							
۵				۸			۷	
			۷				۸	۹
		۷	۱		۹		۵	
		۲				۶		
	۱		۴		۵	۸		
۲	۹				۳			
	۸			۱				
							۱	۳



سخت

۳				۶				
		۱	۹				۶	
	۵	۷						۴
	۳		۵	۲				
	۱		۸		۹		۲	
				۳	۴		۷	
۵						۷	۹	
	۷				۵	۶		
				۱				۸

